

اثر بکارگیری استانداردهای حسابداری بر کیفیت حسابداری

دکتر شهناز مشایخ - استادیار دانشگاه الزهراء (س)
زهرة امینی - دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه الزهراء (س)

چکیده

با گذشت حدود ۱۰ سال از زمان الزام بکارگیری رهنمودها و استانداردهای حسابداری توسط کلیه شرکت های سهامی عام کشور، تحقیق حاضر در صدد است تا اثر بکارگیری استانداردهای حسابداری را بر کیفیت حسابداری مورد بررسی قرار دهد. نمونه تحقیق متشکل از ۷۵ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران برای دوره زمانی ۸۷-۱۳۷۵ است. مطابق تحقیق بارث و همکاران (۲۰۰۸) مدیریت سود، شناسایی به موقع زیان و مربوط بودن ارزش به عنوان معیارهای کیفیت حسابداری در نظر گرفته شد. برای آزمون مدل ها از روش رگرسیون چند متغیره و لاجیت در دوره قبل و بعد از بکارگیری استانداردهای حسابداری استفاده شد. نتیجه آزمون مدل ها در مجموع نشان داد که الزام بکارگیری استانداردها منجر به افزایش شناسایی به موقع زیان و کاهش مدیریت سود و مربوط بودن ارزش گردید. از اینرو، با توجه به یافته های تحقیق، کیفیت حسابداری از منظر مدیریت سود و شناسایی به موقع زیان، افزایش ولی از منظر مربوط بودن ارزش، کاهش یافت.

کلید واژه ها:

استانداردهای حسابداری، کیفیت حسابداری، مدیریت سود، شناسایی به موقع زیان، مربوط بودن ارزش.

مقدمه

تصمیم گیری بهینه برای سرمایه گذاری در واحدهای تجاری و به بیان بهتر، تخصیص صحیح منابع کمیاب در جامعه، مستلزم وجود اطلاعات مالی باکیفیت است. آنچه تهیه و ارائه چنین اطلاعات باکیفیتی را تضمین می کند، وجود مکانیزم و چارچوبی است که به موجب آن گزارش های مالی و اطلاعات حسابداری تهیه شود. این چارچوب، همان استانداردهای حسابداری است که با هدف بالابردن کیفیت حسابداری تدوین می شوند. حال این سؤال مطرح می شود که به دنبال لازم الاجرا شدن استانداردهای حسابداری مصوب سازمان حسابرسی در ایران، آیا استانداردهای مزبور توانسته به بهبود کیفیت حسابداری کمک کند یا خیر؟

استانداردهای حسابداری و ظهور نظریه کیفیت حسابداری

دنیای تجاری و حرفه ای امروز دستخوش تحولات بسیاری شده است. یکی از دلایل این تحولات، جهانی شدن اقتصاد می باشد. جهانی شدن نه تنها به تجارت بلکه به حرفه های مختلف نیز تسری یافته است. در نتیجه، تقاضا به سرعت برای دقت نظر بیشتر در کارهای حرفه ای رو به افزایش است. در چنین محیطی که تغییرات به سرعت انجام می شود و تحولات در هر مکانی محسوس و با زندگی بشر عجین شده است، کیفیت پیش شرط ورود به اقتصاد جهانی است. لذا بالا بردن مداوم کیفیت خدمات ارائه شده از ضروریات به شمار می رود. به دنبال مطرح شدن مباحث مشابه درباره ارتقای سطح کیفیت در حرفه حسابداری، تدوین کنندگان استانداردهای حسابداری از سال های قبل تلاش های سازنده ای را در جهت تحقق راهکارهای باکیفیت در سطح ملی و بین المللی آغاز نمودند. اما با گسترش تمایل کشورهای مختلف برای بکارگیری استانداردهای بین المللی گزارشگری مالی^۱، توجه زیادی به این نکته جلب شد که آیا بین استانداردهای حسابداری و کیفیت حسابداری همبستگی وجود دارد یا خیر [9].

1. International Financial Reporting Standards (IFRS)

پیشینه تحقیق

بارث و همکاران (۲۰۰۸) اثر استانداردهای حسابداری داخلی غیرآمریکایی و استانداردهای حسابداری بین المللی^۲ بر کیفیت حسابداری ۲۱ کشور مورد بررسی و مقایسه قرار دادند و از مدیریت سود، شناسایی به موقع زیان و مربوط بودن ارزش به عنوان شاخص های کیفیت حسابداری استفاده کردند. نتایج تحقیق نشان داد که موسسات بکارگیرنده IAS نسبت به موسسات بکارگیرنده استاندارد داخلی غیرآمریکایی، مدیریت سود کمتر، شناسایی زیان به موقع تر و افزایش مربوط بودن ارزش مقادیر حسابداری را نشان می دهند. بعد از این تحقیق، تحقیقات مشابهی نظیر پآنانن و لین (۲۰۰۸)، کریستنسن و همکاران (۲۰۰۸)، احمد و همکاران (۲۰۰۹)، باگاوا (۲۰۰۹) و چن و همکاران (۲۰۱۰) انجام گرفت که اکثر این تحقیقات مبتنی بر تحقیق بارث و همکاران (۲۰۰۸) می باشد. به طور کلی نتایج تحقیقاتی که به بررسی اثر بکارگیری اختیاری استانداردهای حسابداری بر کیفیت حسابداری پرداختند، همانند نتایج تحقیق بارث و همکاران (۲۰۰۸) نشان از افزایش کیفیت حسابداری داشته ولی نتیجه گیری درباره تحقیقات بکارگیری اجباری استانداردهای حسابداری، مشکل است. زیرا برخی از نتایج این تحقیقات، مطابق نتایج تحقیق بارث و همکاران (۲۰۰۸) نشان از افزایش کیفیت حسابداری داشته ولی برخی دیگر نشان از کاهش کیفیت حسابداری به دنبال بکارگیری استانداردهای حسابداری داشته اند.

روش شناسی تحقیق

این تحقیق، از نوع تحقیقات علی مقایسه ای پس رویدادی است که به دنبال بررسی روابط علت و معلولی از طریق مطالعه نتایج موجود و زمینه قبلی به امید یافتن علت عمل انجام شده است. به دلیل بررسی اثر بکارگیری استانداردهای حسابداری بر کیفیت حسابداری با

². International Accounting Standards (IAS)

استفاده از معاملات رگرسیون ، تحقیقی از نوع همبستگی بوده و به علت کاربرد در فرایند استفاده از اطلاعات حسابداری ، نوعی تحقیق کاربردی محسوب می گردد [1].

جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری تحقیق شامل کلیه شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران به جز شرکت های سرمایه گذاری ، لیزینگ ، هلدینگ و بانک ها می باشد که تا سال ۱۳۷۵ به عضویت بورس درآمده و تا پایان سال ۱۳۸۷ از عضویت بورس خارج نشده باشند . تمام جامعه آماری مورد بررسی قرار می گیرد و مشاهداتی که فاقد ویژگی های زیر بودند ، حذف شدند : (۱) پایان سال مالی شرکت ، پایان اسفند ماه باشد . (۲) طی دوره بررسی (۸۷-۱۳۷۵) شرکت تغییر سال مالی نداشته باشند و (۳) شرکت فعال باشد . با توجه به شرایط یاد شده ، تعداد ۷۵ شرکت در ۱۶ صنعت به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند .

بیان عملیاتی فرضیه های تحقیق

از آنجاییکه در این تحقیق مطابق تحقیق بارث و همکاران (۲۰۰۸) از مدیریت سود ، شناسایی به موقع زیان و مربوط بودن ارزش به عنوان شاخص های کیفیت حسابداری استفاده شده ، از اینرو ، فرضیه های تحقیق به صورت زیر طراحی گردید :

فرضیه ۱ : مدیریت سود در دوره بعد از الزام بکارگیری استانداردهای حسابداری ایران نسبت به دوره قبل از آن ، کاهش یافته است .

فرضیه ۲ : شناسایی به موقع زیان در دوره بعد از الزام بکارگیری استانداردهای حسابداری ایران نسبت به دوره قبل از آن ، افزایش یافته است .

فرضیه ۳ : مربوط بودن ارزش در دوره بعد از الزام بکارگیری استانداردهای حسابداری ایران نسبت به دوره قبل از آن ، افزایش یافته است .

اندازه گیری متغیرهای تحقیق

فرضیه ۱ : فلسفه مدیریت سود ، بهره گیری از انعطاف پذیری روش های استاندارد و اصول پذیرفته شده حسابداری است . در صورتی که یکی از اهداف اساسی وضع استانداردهای حسابداری این است که استفاده کنندگان بتوانند با اتکای بر صورت های مالی ، تصمیمات مربوط و صحیحی اتخاذ کنند . پس نیاز حرفه حسابداری به آن شیوه از

گزارشگری می باشد که منافع تمام استفاده کنندگان به صورتی مطلوب رعایت شود و این با تعریف مدیریت سود در تضاد است [3]. از اینرو، هدف از آزمون فرضیه اول تحقیق بر آن نهاده شد که بررسی شود آیا بکارگیری استانداردهای حسابداری در ایران منجر به کاهش مدیریت سود در دوره بعد از بکارگیری استانداردها نسبت به دوره قبل از آن، شده است یا خیر. برای بررسی این فرضیه از ۴ معیار استفاده شد. معیار اول میزان تغییر پذیری تغییر در سود خالص (ΔNI)، معیار دوم میزان تغییر پذیری تغییر در جریان نقدی حاصل از فعالیت های عملیاتی (ΔCF)، معیار سوم نسبت تغییر پذیری تغییر در سود خالص (ΔNI) به تغییر پذیری تغییر در جریان نقدی حاصل از فعالیت های عملیاتی (ΔCF) و بالاخره معیار چهارم، ضریب همبستگی رتبه ای اسپیرمن بین سری های باقیمانده از رگرسیون دو متغیر بر اساس متغیرهای کنترلی (همبستگی بین ΔNI^* و ΔCF^*) می باشد. برای دستیابی به میزان تغییر در متغیر ΔNI لازم است ابتدا این متغیر با متغیرهای کنترلی مناسب که توجیه کننده تغییر در آن هستند، برازش شده و با استفاده از واریانس مقادیر باقیمانده از این رگرسیون (ΔNI^*) به میزان تغییر پذیری آن پی برد. همین روش برای متغیر ΔCF انجام شده و به وسیله آن میزان تغییر پذیری تغییر در آن نیز بدست آمد. بنابراین در وهله اول رگرسیون های زیر برازش شدند:

$$\Delta NI_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 SIZE_{it} + \alpha_2 GROWTH_{it} + \alpha_3 EISSUE_{it} + \alpha_4 LEV_{it} + \alpha_5 DISSUE_{it} + \alpha_6 TURN_{it} + \alpha_7 CF_{it} + \sum_{k=1} \alpha_{k+7} IDUM_{i} + \varepsilon_{it} \quad (1)$$

$$\Delta CF_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 SIZE_{it} + \alpha_2 GROWTH_{it} + \alpha_3 EISSUE_{it} + \alpha_4 LEV_{it} + \alpha_5 DISSUE_{it} + \alpha_6 TURN_{it} + \alpha_7 CF_{it} + \sum_{k=1} \alpha_{k+7} IDUM_{i} + \varepsilon_{it} \quad (2)$$

تقسیم بر کل دارایی ها در پایان سال مالی، ΔCF تغییرات جریان نقدی سالانه حاصل از فعالیت های عملیاتی تقسیم بر کل دارایی ها در پایان سال مالی، $SIZE$ لگاریتم طبیعی ارزش بازار سهام عادی در پایان سال مالی به میلیون ریال، $GROWTH$ درصد تغییرات سالانه فروش، $EISSUE$ درصد تغییرات سالانه حقوق سهامداران عادی، LEV کل بدهی ها در پایان سال تقسیم بر ارزش دفتری سهام عادی در پایان سال مالی، $DISSUE$ درصد تغییرات سالانه کل بدهی ها، $TURN$ فروش تقسیم بر کل دارایی ها در پایان سال

مالی، CF خالص جریان نقدی فعالیت های عملیاتی تقسیم بر کل دارایی ها در پایان سال مالی، IDUM شاخص صنعت شرکت و ε_{it} باقیمانده حاصل از رگرسیون.

فرضیه ۲: به موقع بودن یکی از مهم ترین ویژگی های کیفی اطلاعات مالی محسوب می شود، به این مفهوم که اطلاعات باید در کوتاه ترین زمان و به سریع ترین شکل ممکن در دسترس استفاده کنندگان قرار گیرد [2]. بارث و همکاران (۲۰۰۸) بیان کردند که شناسایی به موقع زیان یکی از ویژگی های سودهای با کیفیت بالاست که زیان های بزرگتر را به جای انتقال به دوره های آتی، در دوره جاری شناسایی می کند. در این تحقیق، از ضریب «سود خالص منفی بزرگ»^۳ برای اندازه گیری شناسایی به موقع زیان استفاده می شود که از رگرسیون رابطه (۳) به دست می آید.

$$POST(0,1)_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 LNEG_{it} + \alpha_2 SIZE_{it} + \alpha_3 GROWTH_{it} + \alpha_4 EISSUE_{it} + \alpha_5 LEV_{it} + \alpha_6 DISSUE_{it} + \alpha_7 TURN_{it} + \alpha_8 CF_{it} + \sum_{k=1}^{\alpha_{k+8}} IDUM_i + \varepsilon_{it} \quad (3)$$

POST(0,1) شاخص متغیری است که برای مشاهدات در دوره بعد از بکارگیری استانداردهای حسابداری برابر ۱ و برای دوره قبل از بکارگیری استانداردها، صفر است. همچنین، LNEG شاخص متغیری است که برای مشاهداتی که مقدار سود خالص سالانه آنها منفی باشد، برابر ۱ است و در غیر اینصورت $LNEG = 0$ است.

در این مرحله، تمرکز اصلی بر ضریب LNEG (α_1) است. مقدار این ضریب برای کل دوره مورد بررسی (قبل و بعد از بکارگیری استانداردهای حسابداری) محاسبه می گردد. به عبارت دیگر، برخلاف روش بررسی معیار مدیریت سود (محاسبه رگرسیون های جداگانه برای دوره قبل و بعد از بکارگیری استانداردها)، در این مرحله همانند تحقیق بارث و همکاران (۲۰۰۸) رگرسیون برای کل دوره محاسبه می گردد. از اینرو، ضریب LNEG با مقدار عددی صفر سنجیده می شود. به بیان دیگر، اگر α_1 بزرگتر از صفر باشد، بدین معناست که با بکارگیری استانداردهای حسابداری، شناسایی به موقع زیان

³. Large negative net income (LNEG)

افزایش یافته و در غیر اینصورت ، به معنای کاهش شناسایی به موقع زیان در دوره بعد از بکارگیری استانداردهای حسابداری نسبت به دوره قبل از آن است .

فرضیه ۳: فرضیه جریان مربوط بودن ارزش بر پایه این فرض قرار دارد که اگر اطلاعات مفید باشند ، سرمایه گذاران رفتار خود را تعدیل خواهند نمود و بازار به سرعت نسبت به این اطلاعات واکنش نشان خواهد داد [7]. بارث و همکاران (۲۰۰۸) بیان کردند که در موسسات با کیفیت حسابداری بالا ، همبستگی بیشتری بین قیمت سهام ، سود و ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام عادی مشاهده می شود ، زیرا سودهای با کیفیت بالاتر بهتر می تواند وضعیت اقتصادی موسسات را نشان دهد . به این دلیل که اولاً ، سودهای با کیفیت بالاتر محصولی از بکارگیری استانداردهای حسابداری نسبت به الزام شناسایی مقادیری است که به صورت کامل وضعیت اقتصادی موسسات را بیان می کند . ثانیاً ، سودهای با کیفیت بالاتر ، کمتر متاثر از صلاحدید مدیریت است .

برای بررسی این فرضیه از ۳ معیار استفاده شد . معیار اول میزان قدرت توضیح دهندگی رگرسیون قیمت سهام بر مبنای سود خالص و ارزش دفتری سهام عادی ، معیار دوم میزان قدرت توضیح دهندگی رگرسیون سود خالص هر سهم بر مبنای بازده سالانه مثبت سهام و بالاخره معیار سوم ، قدرت توضیح دهندگی رگرسیون سود خالص هر سهم بر مبنای بازده سالانه منفی سهام می باشد . اولین معیار مربوط بودن ارزش بر پایه قدرت توضیح دهندگی رگرسیون قیمت سهام با سود خالص و ارزش دفتری سهام عادی است . این کار مبتنی بر ۲ مرحله رگرسیون است . ابتدا مدل رگرسیون قیمت سهام (P) بر اساس اثرات ثابت شرکت^۴ برازش می شود و در مرحله دوم ، با باقیمانده رگرسیون مرحله اول (P^*) بر مبنای ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام هر سهم عادی (BVEPS) و سود هر سهم (NIPS) به صورت جداگانه برای دوره قبل و بعد از بکارگیری استانداردهای حسابداری ، رگرسیون برازش می شود . به عبارت دیگر ، ۴ رگرسیون محاسبه می شود . بنابراین ، اولین معیار مربوط بودن ارزش ، R^2 تعدیل شده از رگرسیون رابطه زیر است :

منظور ثبات واریانس در مورد شرکت های مختلف است . لذا آزمون ناهمسانی انجام شد firm fixed-effect .⁴

$$P^*_{it} = \beta_0 + \beta_1 BVEPS_{it} + \beta_2 NIPS_{it} + \varepsilon_{it} \quad (4)$$

که در اینجا P^* باقیمانده های رگرسیون P بر مبنای اثرات ثابت شرکت ، $BVEPS$ ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام عادی هر سهم ، $NIPS$ سود خالص هر سهم (سود هر سهم) تعریف می شود . همچنین مطابق تحقیق بارث و همکاران (۲۰۰۸) به منظور اطمینان از اینکه اطلاعات حسابداری در دسترس عموم قرار گرفته است ، P به صورت قیمت سهام ۶ ماه پس از پایان سال مالی تعریف گردید .

دومین و سومین پارامتر مربوط بودن ارزش ، بر پایه قدرت توضیح دهندگی رگرسیون های

سود خالص هر سهم بر اساس بازده سالانه سهام است . مطابق تحقیق بارث و همکاران (۲۰۰۸) بازده سالانه مثبت سهام به عنوان « خبر خوب ^۵ » و بازده سالانه منفی سهام به عنوان

« خبر بد ^۶ » تلقی گردید . به دلیل تقسیم بندی موسسات بر اساس علامت بازده هایشان (مثبت و منفی) ، ۲ رگرسیون با سود خالص به عنوان متغیر وابسته تخمین زده می شود که یکی از این رگرسیون ها برای اخبار خوب و دیگری برای اخبار بد موسسات است . رگرسیون اخبار خوب و بد شامل ۲ مرحله رگرسیون است . در مرحله اول ، از NI/P بر مبنای اثرات ثابت شرکت رگرسیون برآزش شده و در مرحله دوم ، از باقیمانده رگرسیون مرحله اول (NI/P^*) بر پایه بازده سالانه سهام رگرسیون محاسبه می شود . لذا دومین و سومین پارامتر مربوط بودن ، R^2 هایی از رگرسیون رابطه زیر بدست می آیند :

$$[NI/P]^*_{it} = \beta_0 + \beta_1 RETURN_{it} + \varepsilon_{it} \quad (5)$$

که در اینجا NI/P^* باقیمانده های رگرسیون NI/P بر مبنای اثرات ثابت شرکت و $RETURN$ بازده سالانه سهام عادی برای دوره ۱۲ ماهه (۸ ماه قبل و ۴ ماه بعد از پایان

5. Good New

6. Bad New

سال مالی) تعریف می شود. همچنین NI/P به صورت سود هر سهم تقسیم بر قیمت سهام

عادی در ابتدای سال مالی تعریف می گردد.

یافته های پژوهش

- نتایج آزمون فرضیه اول: استانداردهای حسابداری و مدیریت سود همان طور که اشاره گردید برای بررسی مدیریت سود از مقایسه تغییر پذیری تغییر در متغیر وابسته (ΔNI و ΔCF) بین دوره قبل و بعد از بکارگیری استانداردها استفاده می گردد. لذا، فرض مرتبط با این فرضیه به شکل زیر بیان می شود:

H_0 : واریانس باقیمانده های رگرسیون متغیر وابسته برای دوره بعد از الزام بکارگیری استانداردهای حسابداری ایران نسبت به دوره قبل از آن، کاهش یافته است.

H_1 : واریانس باقیمانده های رگرسیون متغیر وابسته برای دوره بعد از الزام بکارگیری استانداردهای حسابداری ایران نسبت به دوره قبل از آن، کاهش نیافته است.

$$\begin{cases} H_0: \text{Var}(\varepsilon)_{\text{Pre}} \geq \text{Var}(\varepsilon)_{\text{Post}} \\ H_1: \text{Var}(\varepsilon)_{\text{Pre}} < \text{Var}(\varepsilon)_{\text{Post}} \end{cases}$$

جدول شماره ۱ - نتایج بررسی معیار اول مدیریت سود (تغییر پذیری در ΔNI)

متغیر وابسته (ΔNI)	دوره قبل (۷۷-۱۳۷۵)	دوره بعد (۸۷-۱۳۷۸)
تعداد مشاهدات	۱۱۸	۴۹۸
واریانس ΔNI^*	0.003	۰,۰۰۴**
ضریب تعیین (R^2) مدل	۰,۶۸۵	۰,۸۶۲
ضریب تعیین تعدیل شده ($Adj-R^2$) مدل	0.121	0.835
آماره دوربین واتسون (D-W)	2.247	2.32
نیکویی برازش مدل (F)	3.215	31.992
سطح معناداری مدل (P-Value)	0.009	0.000

علامت (***) نشان دهنده معناداری تفاوت واریانس دوره بعد نسبت به دوره قبل از بکارگیری استانداردهای حسابداری در سطح ۹۵ درصد اطمینان است .

جدول شماره ۲ - نتایج بررسی معیار دوم مدیریت سود (تغییر پذیری در ΔCF)

متغیر وابسته (ΔCF)	دوره قبل (۷۷-۱۳۷۵)	دوره بعد (۸۷-۱۳۷۸)
تعداد مشاهدات	۱۱۸	۴۹۸
واریانس * ΔCF	0.00391	۰,۰۱۰۱۹***
ضریب تعیین (R^2) مدل	۰,۷۹۴	۰,۹۵۵
ضریب تعیین تعدیل شده ($Adj-R^2$) مدل	0.425	0.946
آماره دوربین واتسون ($D-W$)	1.887	2.176
نیکویی برازش مدل (F)	2.153	109.161
سطح معناداری مدل (P -Value)	0.004	0.000

علامت (***) نشاندهنده معناداری تفاوت واریانس دوره بعد نسبت به دوره قبل از بکارگیری استانداردهای حسابداری در سطح ۹۹ درصد اطمینان است .

مطابق با داده های جداول بالا ، نظر به اینکه سطح معناداری مدل در دوره قبل و بعد از بکارگیری استانداردها کمتر از ۰,۰۵ است ، بنابراین می توان گفت شاخص نیکویی برازش مدل (آماره F) برای دوره قبل و بعد از بکارگیری استانداردهای حسابداری برای مدل ΔNI و ΔCF معنادار می باشد. پس از انجام رگرسیون های فوق ، لازم است تا تفاوت مشاهده شده در مقادیر واریانس به لحاظ آماری مورد آزمون قرار گیرد . لذا ، از آزمون برابری واریانس ها در مورد سری های باقیمانده از رگرسیون های فوق در مورد قبل و بعد از بکارگیری استانداردها استفاده شود . فرض H_0 و H_1 به شکل زیر بیان می شود :

$$\begin{cases} H_0 : \text{Var}(\varepsilon)_{\text{Pre}} = \text{Var}(\varepsilon)_{\text{Post}} \\ H_1 : \text{Var}(\varepsilon)_{\text{Pre}} \neq \text{Var}(\varepsilon)_{\text{Post}} \end{cases}$$

جدول شماره ۳ - نتایج آزمون برابری واریانس

متغیر وابسته	ΔNI^*	ΔCF^*
نیکویی برازش مدل (F)	1.37	2.606
سطح معناداری مدل (P-Value)	0.024	0.000

با ملاحظه مقادیر مربوط به آماره F و مقدار احتمال متناظر با آن می توان فرض H_0 را در ۵ درصد احتمال خطا رد کرد و پذیرفت که واریانس مقادیر باقیمانده از رگرسیون های فوق در دوره قبل و بعد از بکارگیری استانداردهای حسابداری به لحاظ آماری متفاوت (معنادار) بوده و با توجه به مقادیر بدست آمده جداول شماره ۱ و ۲ (افزایش واریانس جملات باقیمانده حاصل از رگرسیون متغیرهای وابسته ΔNI^* و ΔCF^* بر مبنای متغیرهای کنترلی در دوره بعد از بکارگیری استانداردها نسبت به دوره قبل از آن) می توان نتیجه گیری کرد که اعمال هموارسازی سود از جانب موسسات در دوره بعد از بکارگیری استانداردهای حسابداری نسبت به دوره قبل از آن، کاهش یافته است. به این ترتیب دو معیار اول، فرضیه فوق را تایید می کند.

سومین معیار در نظر گرفته شده در مورد فرضیه اول، نسبت تغییر پذیری تغییر در ΔNI به تغییر پذیری تغییر در ΔCF می باشد. به عبارت دیگر لازم است واریانس ΔNI^* به ΔCF^* برای دوره قبل و بعد از بکارگیری استانداردها محاسبه شود. بنابر فرضیه اول، پیش بینی آن است که نسبت واریانس های مذکور در دوره بعد از بکارگیری استانداردها نسبت به دوره قبل از آن، افزایش داشته باشد. همچنین در مورد معیار چهارم که عبارت است از میزان همبستگی بین سری های ΔNI^* و ΔCF^* ، به صورت مشابه پیش بینی می شود که در دوره بعد از بکارگیری استانداردها نسبت به دوره قبل از آن، این همبستگی افزایش و در نتیجه هموارسازی سود کمتری صورت گرفته باشد. جداول زیر نتایج حاصل از بررسی معیارهای سوم و چهارم فرضیه اول را نشان می دهد.

جدول شماره ۴ - نتایج بررسی معیار سوم مدیریت سود (تغییر پذیری تغییر در ΔNI به تغییر پذیری تغییر در ΔCF)

دوره قبل	دوره بعد	
4.30540	۶,۷۱۳۰۳***	$\text{Var}(\Delta NI^*) / \text{Var}(\Delta CF^*)$
34.494		نیکویی برازش مدل (F)
0.000		سطح معناداری مدل (P-Value)

همانطور که مشاهده می گردد بر اساس آماره F و احتمال متناظر با آن تفاوت بین واریانس ΔNI^* به ΔCF^* در دوره قبل و بعد از بکارگیری استانداردها معنادار می باشد .

جدول شماره ۵ - نتایج بررسی معیار چهارم مدیریت سود (همبستگی بین ΔNI^* و ΔCF^*)

دوره قبل	دوره بعد	
0.056	0.074	همبستگی (ΔNI^* و ΔCF^*)

در مجموع ، مقادیر بدست آمده در مورد هر یک از معیارهای مورد نظر در فرضیه اول ، حاکی از تایید این فرضیه داشته به طوری که می توان نتیجه گرفت که هموارسازی سود و در نتیجه مدیریت سود در موسسات مورد بررسی در دوره بعد از بکارگیری استانداردهای حسابداری نسبت به دوره قبل از آن ، کاهش و لذا کیفیت حسابداری از این حیث ، افزایش یافته است .

به طور کلی نتایج آزمون این فرضیه ، مشابه با نتایج تحقیقاتی است که بکارگیری اختیاری استانداردهای حسابداری را مورد بررسی قرار داده اند ولی مقایسه با نتایج تحقیقات بکارگیری اجباری استانداردهای حسابداری بر کیفیت حسابداری مشکل است . برای نمونه می توان به تحقیقات احمد و همکاران (۲۰۰۹) و چن و همکاران (۲۰۱۰) اشاره نمود که احمد و همکاران (۲۰۰۹) بیان کردند که در دوره بعد از بکارگیری IFRS ، مدیریت سود نسبت به دوره قبل از آن ، افزایش یافته ولی چن و همکاران (۲۰۱۰) به این نتیجه رسیدند که بطور کلی مدیریت سود بعد از بکارگیری اجباری IFRS ، کاهش یافته است .

- نتایج آزمون فرضیه دوم: استانداردهای حسابداری و شناسایی به موقع زیان همانطور که قبلاً اشاره گردید، برای بررسی شناسایی به موقع زیان، بر ضریب LNEG تمرکز کرده که مقدار این ضریب برای کل دوره (قبل و بعد از بکارگیری استانداردها) محاسبه می‌گردد و از آنجا که ضریب مثبت LNEG (1) بیانگر شناسایی تعداد بیشتری از زیان‌های بزرگ در دوره بعد از بکارگیری استانداردهای حسابداری نسبت به دوره قبل از آن است، از اینرو می‌توان فرض H_0 و H_1 را به شکل زیر بیان نمود:

$$\begin{cases} H_0: \alpha_1 \leq 0 \\ H_1: \alpha_1 > 0 \end{cases}$$

متغیر $POST(0,1)$ ، متغیر مجازی محسوب می‌شود که چون به عنوان متغیر وابسته در این الگو معرفی شده، باید برای تخمین، با توجه به شکل تابع توزیع تجمعی آن از الگوی لوجیت استفاده کرد. این الگو یکی از الگوهای غیر خطی است که در آن رابطه بین $POST(0,1)$ ، LNEG و دیگر متغیرهای توضیحی غیر خطی را نشان می‌دهد. برای برآورد این الگوها از روش بیشینه درستنمایی (ML) استفاده شد.

جدول شماره ۶ - نتایج بررسی معیار شناسایی به موقع زیان

دوره (۸۷-۱۳۷۵)		متغیر وابسته $POST(0,1)$	
۶۱۶		تعداد مشاهدات	
0.121		ضریب تشخیص مک-فادن (Mc Fadden R-squared)	
-265.773		لگاریتم درستنمایی (Log likelihood)	
73.125		نسبت درستنمایی (LR statistic)	
0.000		سطح معناداری مدل (P-Value)	
سطح معناداری	آماره Z	ضریب	نام متغیر
0.065	1.844	1.53	LNEG

همانطور که مشاهده می‌شود بنابر پیش بینی، ضریب متغیر LNEG مثبت بوده ولی در 90 درصد احتمال دارای معناداری آماری می‌باشد. ضریب مثبت LNEG (α_1) بیانگر

آن است که موسسات ، تعداد بیشتری از زیان های بزرگ را در دوره بعد از بکارگیری استانداردهای حسابداری نسبت به دوره قبل از آن ، شناسایی کرده اند و این به معنای افزایش کیفیت حسابداری بر اثر بکارگیری استانداردهای حسابداری از حیث شناسایی به موقع زیان است . لذا فرضیه دوم در سطح اطمینان ۹۵ درصد ، رد شده ولی در سطح اطمینان ۹۰ درصد ، تایید می شود .

به طور کلی نتایج آزمون این فرضیه ، مشابه با نتایج تحقیقاتی است که بکارگیری اختیاری استانداردهای حسابداری را مورد بررسی قرار داده اند ، ولی مقایسه با نتایج تحقیقات بکارگیری اجباری استانداردهای حسابداری بر کیفیت حسابداری مشکل است . برای نمونه می توان به تحقیقات احمد و همکاران (۲۰۰۹) و چن و همکاران (۲۰۱۰) اشاره نمود که احمد و همکاران (۲۰۰۹) بیان کردند که در دوره بعد از بکارگیری IFRS برای موسسات بکارگیرنده این استانداردها ، محافظه کاری (شناسایی به موقع زیان) کاهش یافته در حالیکه چن و همکاران (۲۰۱۰) به این نتیجه رسیدند که در دوره بعد از بکارگیری اجباری IFRS نسبت به دوره قبل از آن ، شناسایی به موقع زیان افزایش یافته است .

- نتایج آزمون فرضیه سوم : استانداردهای حسابداری و مربوط بودن ارزش

فروض H_0 و H_1 مرتبط با این فرضیه را می توان این چنین بیان کرد :

H_0 : قدرت توضیح دهندگی رگرسیون (R^2) در دوره بعد از الزام بکارگیری استانداردهای حسابداری ایران نسبت به دوره قبل از آن ، افزایش نیافته است .

H_1 : قدرت توضیح دهندگی رگرسیون (R^2) در دوره بعد از الزام بکارگیری استانداردهای

حسابداری ایران نسبت به دوره قبل از آن ، افزایش یافته است .

$$\begin{cases} H_0 : R^2_{Pre} \geq R^2_{Post} \\ H_1 : R^2_{Pre} < R^2_{Post} \end{cases}$$

جدول زیر نمایانگر نتایج حاصل از رگرسیون مرحله دوم در مورد متغیر قیمت است .

جدول شماره ۷ - نتایج بررسی معیار اول مربوط بودن ارزش (قدرت تبیین قیمت سهام بر

مینای BVEPS و NIPS)

دوره بعد (۸۷-۱۳۷۸)	دوره قبل (۷۷-۱۳۷۵)	متغیر وابسته (P*)
۳۶۲	۴۲	تعداد مشاهدات با اعمال اثرات ثابت
۰,۴۸۲	۰,۸۹۱	ضریب تعیین (R ²) مدل
0.351	0.552	ضریب تعیین تعدیل شده (Adj-R ²) مدل
2.244	2.250	آماره دوربین واتسون (D-W)
3.671	2.627	نیکویی برازش مدل (F)
0.000	0.054	سطح معناداری مدل (P-Value)

همان گونه که در جدول بالا مشاهده می شود، مقادیر سطح معناداری مدل برای دوره قبل و بعد از بکارگیری استانداردهای حسابداری به ترتیب 0.054 و 0.000 است که سطح معناداری دوره قبل، اندکی بیشتر و سطح معناداری دوره بعد از بکارگیری، کمتر از ۰,۰۵ می باشد. بنابراین می توان گفت شاخص نیکویی برازش مدل (آماره F) برای دوره بعد از بکارگیری استانداردها برای مدل P* در سطح خطای کمتری، معنادار می باشد. همچنین با توجه به مقدار ضریب تعیین و ضریب تعیین تعدیل شده (Adj-R²) می توان استدلال نمود که میزان توضیح دهندگی قیمت سهام بر اساس این دو متغیر در دوره بعد از بکارگیری استانداردهای حسابداری نسبت به دوره قبل از آن، کاهش یافته و لذا، معیار اول فرضیه سوم، رد می شود.

برای بررسی دو معیار دیگر لازم است ابتدا ۲ رگرسیون با سود خالص به عنوان متغیر وابسته تخمین زده شود که یکی از این رگرسیون ها برای اخبار خوب و دیگری برای اخبار بد موسسات است. نتایج حاصل از بررسی این دو معیار در جداول زیر آورده شده است:

جدول شماره ۸ - نتایج بررسی معیار دوم مربوط بودن ارزش (اخبار خوب)

متغیر وابسته $[NI / P]^*$	دوره قبل (۷۷-۱۳۷۵)	دوره بعد (۸۷-۱۳۷۸)
تعداد مشاهدات با اعمال اثرات ثابت	۹۱	۲۷۲
ضریب تعیین (R^2) مدل	۰,۰۱۷	۰,۱۲۰
ضریب تعیین تعدیل شده ($Adj-R^2$) مدل	0.006	0.117
آماره دوربین واتسون ($D-W$)	2.008	2.366
نیکویی برازش مدل (F)	3.537	36.852
سطح معناداری مدل ($P-Value$)	0.006	0.000

جدول شماره ۹ - نتایج بررسی معیار سوم مربوط بودن ارزش (اخبار بد)

متغیر وابسته $[NI / P]^*$	دوره قبل (۷۷-۱۳۷۵)	دوره بعد (۸۷-۱۳۷۸)
تعداد مشاهدات با اعمال اثرات ثابت	۲۸	۱۲۲
ضریب تعیین (R^2) مدل	۰,۰۹۷	۰,۰۵
ضریب تعیین تعدیل شده ($Adj-R^2$) مدل	0.062	0.042
آماره دوربین واتسون ($D-W$)	1.923	2.104
نیکویی برازش مدل (F)	5.798	6.294
سطح معناداری مدل ($P-Value$)	0.011	0.013

با توجه به مقدار عددی ضریب تعیین تعدیل شده جداول فوق می توان استدلال نمود که میزان توضیح دهندگی $[NI / P]^*$ بر اساس بازده سالانه مثبت در دوره بعد از بکارگیری استانداردهای حسابداری نسبت به دوره قبل از آن، افزایش ولی برای بازده سالانه منفی، کاهش داشته است. لذا، فرضیه سوم بنابر معیارهای اول و سوم رد شده، در حالیکه بر مبنای معیار دوم پذیرفته می شود. به منظور بررسی بیشتر و نتیجه گیری بهتر، قدرت توضیح دهندگی رگرسیون های سود خالص هر سهم بر اساس بازده سالانه (مثبت و منفی) سهام برازش گردید که نتایج حاصل در جدول زیر ارائه گردید.

جدول شماره ۱۰ - نتایج بررسی معیار چهارم مربوط بودن ارزش (اخبار خوب و بد)

متغیر وابسته $[NI / P]^*$	دوره قبل (۷۷-۱۳۷۵)	دوره بعد (۸۷-۱۳۷۸)
تعداد مشاهدات با اعمال اثرات ثابت	۱۱۸	۳۹۴
ضریب تعیین (R^2) مدل	0.890	0.289
ضریب تعیین تعدیل شده ($Adj-R^2$) مدل	0.889	0.286
آماره دوربین واتسون ($D-W$)	1.881	1.834
نیکویی برازش مدل (F)	941.544	79.577
سطح معناداری مدل (P -Value)	0.000	0.000

با توجه به مقدار عددی ضریب تعیین تعدیل شده جدول بالا می توان استدلال نمود که میزان توضیح دهندگی $[NI/P]^*$ بر اساس بازده سالانه در دوره بعد از بکارگیری استانداردهای حسابداری نسبت به دوره قبل از آن، کاهش داشته است. به عبارت دیگر، برازش سود خالص بر اساس اتحاد بازده مثبت و منفی سهام هم نتوانست میزان توضیح دهندگی سود خالص تقسیم بر قیمت سهام ابتدای دوره را افزایش دهد.

به طور کلی، نتایج جداول فرضیه سوم نشان دهنده آن است که بر مبنای ۳ معیار از ۴ معیار بررسی شده، مقدار R^2 تعدیل شده در دوره بعد از بکارگیری استانداردهای حسابداری نسبت به قبل از آن، کاهش یافته است. لذا فرضیه سوم از دیدگاه اخبار خوب، تایید اما از دیدگاه قیمت سهام، اخبار بد و اتحاد اخبار خوب و بد، رد می شود.

نتایج تحقیق در مورد افزایش مربوط بودن ارزش سود خالص هر سهم و بازده سالانه مثبت سهام با نتایج تحقیق بارث و همکاران (۲۰۰۸) و احمد و همکاران (۲۰۰۹) مطابقت دارد. اما نتایج کاهش مربوط بودن ارزش قیمت سهام، سود خالص و ارزش دفتری سهام عادی و نیز مربوط بودن ارزش سود خالص هر سهم و بازده سالانه منفی سهام با نتایج تحقیق بارث و همکاران (۲۰۰۸) متفاوت بوده ولی با نتایج تحقیق پآنانن و لین (۲۰۰۸) مطابقت دارد. پآنانن و لین (۲۰۰۸) دریافتند که مربوط بودن ارزش سود و ارزش دفتری سهام عادی در دوره بکارگیری اجباری IFRS در مقایسه با دوره بکارگیری IAS و دوره

بکارگیری اختیاری IFRS کاهش یافته و لذا کیفیت حسابداری به طور یکنواخت در طی این دوره کاهش یافته است .

از جمله دلایل احتمالی کاهش مربوط بودن ارزش در دوره بعد از بکارگیری استانداردهای حسابداری نسبت به دوره قبل ، تعداد اندک مشاهدات سال- شرکت برای شرکت های زیان دیده در نمونه مورد بررسی است . ثانياً ، در دوره قبل از بکارگیری استانداردهای حسابداری در ایران ، موسسات از استانداردهای حسابداری سایر کشورها به ویژه آمریکا ، انگلستان و کانادا استفاده می کردند ، لذا دوره قبل از تدوین استانداردهای حسابداری در ایران ، دوره فاقد استانداردهای حسابداری و رعایت استاندارد حسابداری نبوده است . ثالثاً ، مطابق تحقیق مُرایس و کرتو (۲۰۰۸) می توان استدلال کرد که یکی از دلایل رد شدن فرضیه سوم ، احتمالاً تفاوت در حجم نمونه های تحقیق و یا تفاوت بین دوره زمانی بکارگیری استانداردهای حسابداری در ایران (۸۷-۱۳۷۸) و دوره قبل از آن (۷۷-۱۳۷۵) است که البته اقداماتی در این راستا انجام گرفت . یکی از اقدامات انجام شده برای کاهش این اثر در تحقیق حاضر ، اعمال اثرات ثابت شرکت در دوره قبل و بعد از بکارگیری استانداردهای حسابداری بود . از سوی دیگر ، نگاهی گذرا به بازار سرمایه ایران نشان از دو افت شدید شاخص طی سال های ۸۷-۷۵ و نیز اعمال قواعد معاملاتی در دوره مذکور داشته است که البته به نظر می رسد این دو عامل از جمله عوامل اصلی عدم تایید فرضیه مزبور باشند .

محدودیت های تحقیق

- ۱ . به دلیل در دسترس نبودن برخی از اطلاعات شرکت ها در سنوات قبل ، دوره قبل از بکارگیری استانداردهای حسابداری ، کوتاه تر از دوره بعد از بکارگیری استانداردهای حسابداری تعیین گردید . همچنین دوره زمانی تحقیق می تواند بر نتایج اثر گذارد .
- ۲ . محدودیت دیگر ، وجود شرایط احتمالی مختلف در دوره قبل و بعد از بکارگیری استانداردهای حسابداری است که کنترل این شرایط و برقرای شرایط یکسان در دوره قبل و بعد از لازم الاجرا کردن استانداردها ، تقریباً غیرممکن بود .

پیشنهاداتی برای تحقیقات آتی

۱. بررسی موشکافانه اثر تدوین و تجدید نظر هر یک از استانداردهای حسابداری بر کیفیت حسابداری بطور جداگانه بخصوص استانداردهای حسابداری دارای کاربرد خاص مانند فعالیت های کشاورزی، بیمه و ... بر کیفیت حسابداری واحدهای صنعت مربوطه
۲. بررسی اثرات بکارگیری استانداردهای حسابداری بر کیفیت حسابداری به واسطه تعیین معیارهای دیگر برای کیفیت حسابداری نظیر: پایداری سود، کیفیت اقلام تعهدی، ضریب واکنش سود، Q تویین و ...
۳. بررسی دلایل کاهش مربوط بودن ارزش ارقام حسابداری در دوره بعد از بکارگیری استانداردهای حسابداری نسبت به دوره قبل از آن و مقایسه نتایج.

منابع

- ۱ - آذر، عادل و مؤمنی، منصور. (۱۳۸۵). **آمار و کاربرد آن در مدیریت (تحلیل آماری)**، جلد دوم، چاپ دهم، تهران، انتشارات سمت
- ۲ - مرادی، مهدی و سید مهدی پورحسینی. (۱۳۸۸). "بررسی رابطه بین برخی ویژگی های مالی و غیرمالی و مدت زمان اجرا و تکمیل عملیات حسابرسی در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادر تهران"، **تحقیقات حسابداری**، شماره ۱، ۱۶۸-۱۸۵
- ۳ - مشایخی، بیتا و مریم صفری. (۱۳۸۵). "رابطه بین وجه نقد ناشی از عملیات و مدیریت سود در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، **بررسی های حسابداری و حسابرسی**، شماره ۴۴، ۳۵-۵۴
- 4- Ahmed, A. S., M. Neel and D. Wang. (2009). "The Effects of Mandatory Adoption of International Financial Reporting Standards on Smoothness, Conservatism and Timeliness of Accounting Earnings", <http://www.ssrn.com/abstract=1502909>

- 5- Bagaeva , Alexandra ,2009 , “ The IFRS and Accounting Quality in the Transitional Economy: The Case of Russia ”, University of Oulu , <http://ssrn.com/abstract=1400026>
- 6- Barth, Mary E. ,Wayne R. Landsman and Mark H. Lang. (2008). “International Accounting Standards and Accounting Quality ” , **Journal of Accounting Research** , Vol.46 , No.3 ,PP. 467-498
- 7- Bugshan,T.(2005).“Corporate Governanace, Earning management and the information content of Accounting Earnings: Theoretical model and empirical test”, <http://epublications.bond.edu.au>
- 8- Chen , H. , Q. Tang , Y. Jiang and Z. Lin .(2010). “The Role of Accounting Standards: Evidence from the European Union” , <http://www.ssrn.com/abstract=1330352>
- 9- Christensen, H. B., E. Lee and M. Walker. (2008). “Incentives or standards : What determines accounting quality changes around IFRS adoption?”, <http://www.ssrn.com/abstract=1013054>
- 10- Morais, Ana Isabel and Jose Dias Curto. (2008). “Accounting quality and the adoption of IASB standards_Portuguese evidence” , **Revista Contabilidade & Financas** ,Vol.19, No 48, PP.103-111
- 11- Paananen,M.and H. Lin.(2008).“The Development of Accounting Quality of IAS and IFRS Over Time : The Case of Germany”, <http://www.ssrn.com/abstract=1066604>